



جغرافیا و روابط انسانی، بهار ۱۴۰۰، دوره ۳، شماره، صص ۲۸۲-۲۶۲

تأثیر سین کیانگ از تحولات افراط گرایی منطقه فرغانه آسیای مرکزی

مریم وریج کاظمی

دانش آموخته دکترا جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی و اجتماعی، گروه جغرافیا، تهران، ایران

mariamverijkazemi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۸

چکیده

منطقه (دره) فرغانه که از یک سو بین سه کشور تاجیکستان، ازبکستان و قرقیزستان واقع است و از سوی دیگر منتهی به سین کیانگ چین است، در چند سال اخیر به عنوان قلب افراط گرایی اسلامی در آسیای مرکزی شاهد بی ثباتی و ناامنی بود که در قالب تنش های مرزی و درگیری های قومی-قبیله ای تصویری مبهم از صلح در منطقه را ترسیم می کند. این مقاله با روش تحلیلی و توصیفی به این پرسش که آیا انباشت و سرریز شدن تهدیدات از جانب گروه های افراط گرای اسلامی منطقه فرغانه در آسیای مرکزی می تواند در رشد و گسترش تفکرات ایدئولوژیک گروه های تجزیه طلب استان سین کیانگ موثر باشد، با بررسی کشورهای حوزه فرغانه و منطقه سین کیانگ به این نتیجه می رسد که تقویت نیروهای گریز از مرکز در سین کیانگ تحت تاثیر ساختار و فضای کارکردی گروه های افراط گرای مستقر در منطقه فرغانه آسیای مرکزی قرار دارد و هدف کلی ایجاد ناامنی و تنش از سوی افراط گرایان در این منطقه و فضای پیرامونی آن در جهت مهار استراتژی های اقتصادی-تجاری چین خلاصه می شود.

کلید واژگان: دره فرغانه، آسیای مرکزی، چین، اویغور، افراط گرایی.



مقدمه

آسیای مرکزی با محوریت منطقه فرغانه دارای تهدیدات مشخص امنیتی به دلیل تنوع قومیت های متنوع در مرزها و اختلافات شدید مرزی، رشد سریع جمعیت و بیکاری جوانان، کمبود آب، خشکسالی و سیستم قدیمی در بخش کشاورزی، افراط گرایی مذهبی، عدم مدیریت نیروهای حاکمیت، افزایش کارتل های مواد مخدر و انسان و کالا، است که منطقه و فضای پیرامونی آن را دستخوش ناامنی و بی ثباتی می کند.

مرزهای شرقی آسیای مرکزی منتهی به استان سین کیانگ است که این منطقه از استراتژیک ترین نواحی حاکمیتی چین به دلیل طرح بزرگ یک کمربند-یک راه و توسعه بخش های اقتصادی-تجاری محسوب می شود. چین با ایجاد پیمان ها و توافقنامه های اقتصادی-تجاری با کشورهای آسیای مرکزی درصدد رفع انقباض ژئوپلیتیکی خود است، از این نظر چین مسئله اقتصادی-سیاسی آسیای مرکزی را در نظر می گیرد و بر اساس آن فاکتورهای امنیتی-سیاسی خود را بازبینی می کند. لذا ایجاد محیط امن و بی خطر برای شکل گیری استراتژی اقتصادی چین صرفا در کنترل و مدیریت پتانسیل های بحران زا که از گروههای افراطی اسلامی نشات می گیرد، رقابت گسترده ای را در منطقه به وجود آورده است که تمایل به همکاری و روابط کارآمد را تحت تاثیر تبعات منفی خود قرار می دهد.

در سایه پیوستگی جغرافیایی، سین کیانگ و آسیای مرکزی بر سیاستهای اقتصادی، اجتماعی یکدیگر تاثیرگذارند و می توانند با تاثیر عمیق در ساختار اقتصاد سنتی، به ترمیم اقتصاد منطقه که درگیر بیکاری، فقر و مهاجرت است کمک نماید، موضوعی که واکنش های امنیتی را برای رقبای منطقه ای و فرامنطقه ای چین ایجاد می کند و در رشد افراط گرایی برای مهار توسعه همه جانبه نقش اساسی دارد.

طرح مساله

با توجه به اینکه منطقه فرغانه آسیای مرکزی و سین کیانگ چین دوره های مختلف تاریخی را به لحاظ مراودات تجاری-اقتصادی و راه های عمده بازرگانی پشت سر گذاشته اند و از منظر فرهنگی-اجتماعی تا حد زیادی از هماهنگی و تجانس نسبت به یکدیگر برخوردارند، این سوال مطرح می شود که آیا انباشت و سرریز شدن تهدیدات از جانب گروههای افراط گرای اسلامی منطقه فرغانه در آسیای مرکزی می تواند در رشد و گسترش تفکرات ایدئولوژیک گروههای تجزیه طلب استان سین کیانگ موثر باشد؟.

بی شک بزرگترین طرح اقتصادی چین و جهان با نام یک کمربند-یک راه که از استان سین کیانگ می گذرد، از یک سو فرصت طلایی را در اختیار آسیای مرکزی و نواحی پیرامونی می گذارد تا سرمایه گذاری اقتصادی با اهداف صلح آمیز را پیگیری نمایند و در رفع محدودیت های توسعه ای جوامع خود بکوشند و از سوی دیگر نگرانی های را در خصوص افزایش حضور نظامی قدرتهای فرا منطقه ای بوجود می آورد که با گسترش فعالیت های خشونت آمیز مذهبی-قومی از طریق تجهیز نیروهای افراط گرای اسلامی که تا حد زیادی ایزوله

شده بودند، چین را تحت فشار قرار دهند. از این رو تحولات امنیتی-سیاسی سین کیانگ تحت تاثیر گروه‌های افراط گرای مستقر در منطقه فرغانه آسیای مرکزی قرار دارد.

روش تحقیق

این مقاله به روش تحلیلی-توصیفی و استفاده از منابع معتبر علمی و پژوهشی، به بررسی افراط گرایی در آسیای مرکزی بخصوص منطقه فرغانه و تاثیر آن بر سین کیانگ چین می پردازد.

یافته های تحقیق

موقعیت ژئوپلیتیک حوزه درّه فرغانه

درّه فرغانه تلاقی مناطق حاصلخیز از کشورهای قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان (آسیای مرکزی) است که گروه های قومی مختلفی در قلمرو خود جای داده است (تصویر شماره ۱). ترسیم مصنوعی مرز در درّه فرغانه که در دوره اتحاد جماهیر شوروی نهایی شد می تواند یکی از دلایل اصلی وقوع درگیری های مختلف در آسیای مرکزی به ویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در نظر گرفته شود که علت اصلی اغلب درگیری ها که در منطقه بروز می کند مربوط به تسلط یک گروه قومی خاص بر منابع اقتصادی آن منطقه است. تنش ها و بروز حوادث مرزی بین سه کشور مشترک است، به ویژه در اطراف شهرکهای بزرگ سروک و ووروخ تحت کنترل تاجیکستان و سوخ و شاخیماردان تحت کنترل ازبکستان. در اینجا دسترسی به آب و مراتع و کنترل سختگیرانه مرزی علل اصلی درگیری های دوره ای است که می تواند زندگی میلیونها نفر را تحت تاثیر قرار دهد.



تصویر شماره (۱)

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، گرفتن ویزا و عدم توافق در مورد تعیین مرز باعث ایجاد اختلافات بی شمار و تقویت خصومت بین قومی شده است. مرزهای قرقیزستان با ازبکستان و تاجیکستان به ترتیب تنها ۱/۷۳ درصد و ۴/۵۳ درصد مشخص شده اند. در منطقه فرغانه قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان ۳/۶۸۱ کیلومتر مرز مشترک دارند که از این میان ۹۶۱ کیلومتر مورد اختلاف است. تقریباً ۲۰ سال است که موضوع تعیین

حدود و تعیین مرزهای سرحدات مرزی قرقیزستان و تاجیکستان ادامه دارد. این دو کشور ۹۷۱ کیلومتر مرز مشترک دارند که بر سر ۴۷۱ کیلومتر از آن اختلاف نظر دارند. مشکل اصلی اینجاست که دو کشور از دو نقشه متفاوت ژئوپلیتیکی استفاده می کنند: تاجیکستان با نقشه هایی از سال ۱۹۲۴-۱۹۳۹ و جمهوری قرقیزستان با نقشه های از ۱۹۵۸-۱۹۵۹ میلادی کار می کند. با این حال بسیاری از بخشهای مورد مناقشه در دره فرغانه واقع شده اند.

ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان با انبوهی از جوانان روبرو هستند که توزیع جمعیت تاجیکستان نشان دهنده ناپایدارترین توزیع در بین این سه کشور است، اگرچه هر کشور حدود ۳۰ درصد جمعیت زیر ۳۰ سال به خود اختصاص می دهد. در ازبکستان به عنوان پرجمعیت ترین کشور منطقه تقریباً ۱۰ میلیون نفر را تشکیل می دهد که اکثر آنها در منطقه دره فرغانه زندگی می کنند و در بخش کشاورزی فعال هستند. با وجود نرخ بالای بیکاری در منطقه و سطح فقر، نرخ مهاجرت هم رو به رشد است. بی ثباتی موجود در این بخش از آسیای مرکزی ناشی از بی اعتمادی نسبت به دولت مرکزی، راندمان محدود ساختارهای دولتی، تنش قومی و اجتماعی و سطح بالای تنش موجود بین کشورهای این منطقه با توجه به تمرکز بالای مشکلات، که مجموع این مسائل میتواند حتی یک حادثه محلی جزئی را به درگیری های بزرگ بکشاند و عواقب جدی برای کل منطقه داشته باشد (کوزه گر کالجی، ۱۳۹۷: ۱۵۶). وابستگی زیاد به منابع آب و مرتع در مناطق مرزی نقش مهمی برای این درگیری ها ایفا می کند و انگیزه ای برای شروع رفتارهای خشونت آمیز بین تاجیکستان و مرزنشینان قرقیزی می شود. بانک جهانی پیش بینی کرده است که تا سال ۲۰۵۰، استفاده موثرتر از آب می تواند اقتصاد منطقه را بیش از یک پنجم افزایش دهد و مشکلات آب در مناطقی مانند آسیای مرکزی احتمالاً باعث بی ثباتی و تنش های منطقه ای خواهد شد (Russell, 2018). در اینجا زمین بدون آب ارزش ندارد امروزه بیش از ۹۰ درصد از زمین های کشاورزی در آسیای مرکزی به آبیاری مصنوعی نیازمند هستند. درجه وابستگی مرزی به منابع آب ۴۲٪ برای قزاقستان، ۷۷٪ برای ازبکستان و ۹۴٪ برای ترکمنستان است.

مشکل منطقه علاوه بر عدم همکاری و گفتگو، عدم همکاری در مدیریت آب است که به یک مشکل پیچیده تبدیل شده است. علاوه بر رودهای چو، تالس، تاریم و ایرتیش دو رودخانه عمده در آسیای مرکزی سیردریا و آمودریا است. این رودخانه منبع مهم توسعه یافتگی در بخش کشاورزی این کشورها به حساب می آید که ۹۶ درصد آن در بخش کشاورزی و آبیاری استفاده می شود. کشورهای پایین دست آمودریا قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان وابسته به کشاورزی آبی هستند در حالی که کشورهای بالادست یعنی جمهوری های قرقیزستان و تاجیکستان بر گسترش ظرفیت مخزن و تولید برق آبی تاکید دارند (Izquierdo, 2010).

¹-Irtys. Chuu. Tarim. Tales River

استراتژی اقتصادی چین در آسیای مرکزی

قزاقستان ثروتمندترین و اقتصادی ترین کشور در بین پنج کشور آسیای مرکزی است و دارای روابط چند جانبه با جهان است. قزاقستان و ترکمنستان سرشار از انرژی، نسبتاً مرفه هستند و درآمد سرانه به ترتیب بیش از ۲۰،۰۰۰ دلار و ۱۲۰۰۰ دلار آمریکا است. قرقیزستان و تاجیکستان بسیار کوچکتر و متوسط درآمد سالانه اندکی بیش از ۲۰۰۰ دلار آمریکا دارند. با این حال کشورهای آسیای مرکزی به همسایگان شمالی خود وابستگی دارند (Mahnovski, 2007:15-16). ازبکستان چهارمین صادرکننده پنبه در جهان و تولید کننده پیشرو در آسیای مرکزی است. در صنعت نفت و گاز ازبکستان روسیه و چین سرمایه گذاران اصلی هستند. در سال ۲۰۰۶ ازبکستان به عضویت سازمان پیمان امنیت جمعی و مدتی جامعه اقتصادی اوراسیا درآمد که بعداً در سال ۲۰۰۸ آن را ترک کرد (CIA, 2010).

به طور کلی قزاقستان با بهترین وضعیت تجاری در منطقه و تاجیکستان با ضعیف ترین وضعیت اقتصادی شناخته می شوند. بسیاری از کارگران از تاجیکستان، ازبکستان و قرقیزستان به عنوان کارگران مهاجر در قزاقستان و روسیه اشتغال دارند (World Bank, 2010:59-60). از این رو نرخ مهاجرت در آسیای مرکزی بسیار بالاست. اقتصاد روسیه و قزاقستان تأثیرات عمده ای بر اقتصاد سایر کشورهای آسیای مرکزی دارند (International Monetary Fund, 2010) به طوریکه یک سوم تولید ناخالص داخلی در قرقیزستان و نیمی از تولید ناخالص داخلی در تاجیکستان از حواله های واریزی از خارج از کشور بدست می آید (Brill, 2010). قرقیزستان نخستین کشور سابق اتحاد جماهیر شوروی بود که از سال ۱۹۹۰ به سازمان تجارت جهانی پیوست و بازارهای خود را برای سرمایه گذاران خارجی باز کرد. چین بزرگترین منبع سرمایه گذاری و تجاری قرقیزستان است و منطقه همکاری صنعت کشاورزی آسیا استار در قرقیزستان، با سرمایه گذاری یک شرکت چینی، مساحتی معادل ۵،۶۷ کیلومتر مربع را در بر گرفته و دارای کامل ترین زنجیره صنعتی و سالم ترین زیرساخت در بین مناطق مشابه در کشورهای آسیای مرکزی است که در طرح یک کمربند-یک راه مشارکت دارند (Xin, 2019). قرقیزستان در جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در بخش اصلی اقتصادی معدن طلا بسیار موفق عمل کرده است. قرقیزستان تنها جمهوری آسیای مرکزی است که همچنان میزبان نیروی هوایی ایالات متحده آمریکا و قرارگاه ناتو در مانس است (Pomfret, 2009:3). این در حالیست که در ۲۰ کیلومتری ۱۲ مایلی شرق بیشکک پایتخت قرقیزستان پایگاه هوایی ۹۹۹ کانت متعلق به ارتش روسیه واقع است. ترکمنستان معاملات قابل توجهی را با پردازش درآمدهای حاصل از صادرات گاز طبیعی و پنبه و انتقال حواله از مهاجرین سابق انجام می دهد. ترکمنستان وابستگی کمتری به تغییرات قیمت انرژی در بازار جهانی دارد زیرا قیمت گاز طبیعی آنقدر ناپایدار همانند بهای نفت نیست. در گذشته، ترکمنستان تقریباً کاملاً به خطوط لوله روسیه وابسته بود تا بتواند گاز طبیعی خود را صادر کند این وضعیت اکنون با افتتاح خط لوله جدیدی در پایان سال ۲۰۰۹ تغییر کرده است. خط لوله ترکمنستان - چین که گاز را از شرق ترکمنستان از طریق ازبکستان

²⁻ Collective Security Treaty Organization

¹⁻ Manas

و قزاقستان به منطقه شمال غربی سین کیانگ چین منتقل می کند، به ترکمنستان اجازه می دهد تا طبق توافقنامه ۲۰۰۶ با چین انرژی آنرا تأمین کند (Radio Europe, 2010). عدم موفقیت دولت های آسیای مرکزی در متنوع سازی و مدرن سازی موارد اقتصادی خود برای کاهش وابستگی سنگین آنها به استخراج منابع طبیعی، یک چالش بلند مدت برای رشد منطقه است. اما اینها در برخی از کشورها با نزول شدید - به اندازه یک چهارم - روبرو شده اند و انتظار می رود که حتی بیشتر سقوط کند.

اما پروژه اقتصادی بزرگ که چین در حال عملیاتی کردن آن در منطقه آسیای مرکزی است طرح یک کمربند - یک راه است که از سه مسیر تشکیل شده است؛ مسیر شمالی، مرکزی و جنوبی که هر کدام اهمیت اقتصادی، ترانزیتی، سیاسی و اجتماعی خود را دارند.

۱- بخش مسیر شمالی، کشور چین را از طریق کشورهای آسیای مرکزی (تاجیکستان، قزاقستان، قرقیزستان، افغانستان، ازبکستان و ترکمنستان) به روسیه، اروپا و شمال آفریقا متصل می کند؛ این مسیر متشکل از بازرگانان ازبک که تابعیت تاجیکی-ازبکی دارند و کالاها را از تاجیکستان، ازبکستان و روسیه ترانزیت می کنند (Ibanez, 2020: 135-154).

۲- مسیر مرکزی از آسیای مرکزی از طریق افغانستان و ترکمنستان به ایران و خلیج فارس و هم چنین ترکیه و دریای مدیترانه می رسد؛

۳- مسیر جنوبی از چین آغاز و به آسیای جنوب شرقی، جنوب آسیا و پاکستان و اقیانوس هند ختم خواهد شد.

دولت چین از سال ۲۰۱۳ م تاکنون با بیست کشور و دهها نهاد بین المللی در زمینه پیشبرد و ایجاد این بازار قراردادهایی را به امضا رسانده است. برای آسیای مرکزی که دارای اقتصادهای محصور در خشکی هستند این پروژه شاهرگ حیاتی برای اتصال به بازارهای جهانی می باشد. از طریق یک کمربند-یک راه آسیای مرکزی به یک کانون تجارت و ترانسپورت منطقه ای بهره مند می شود و می تواند به کشورهای شرق دور و اروپایی صادرات داشته باشد.

ریشه های افراط گرایی در آسیای مرکزی

سلطه هفتاد ساله اتحاد جماهیر شوروی و سیاست های شدید دین زدایی دولت کمونیست که خود در پی سالها سلطه روسیه تزاری بر منطقه شکل گرفته بود، هرگونه ارتباط مشخص و مستمر میان مسلمانان منطقه و عرصه گسترده تر جهان اسلام را از میان برد و همین امر، زمینه ای را برای تلفیق اسلام با خرافات، عرف و آداب و سنن و نیز باورهای غلط به وجود آورد. این زمینه سست اعتقادی سبب شد تا پس از فروپاشی شوروی، اسلام افراطی مورد حمایت برخی کشورهای فرامنطقه ای بتواند در منطقه نفوذ کند و پیروانی در هر یک از کشورها جذب نماید.

² One Belt- One Road

به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان، محرک بسیار مهمی بود که به گروه‌های افراطی در آسیای مرکزی جان تازه ای بخشید. پس از آن، وهابی‌های عربستان سعودی و دیگر گروه‌های اسلام‌گرا از پاکستان و ترکیه و سایر کشورها به سمت مناطق مسلمان‌نشین شوروی سابق حرکت کردند. عربستان، به منظور جذب مسلمانان روسیه و جمهوری‌های سابق شوروی به افکار سلفی - وهابی، مبلغان زیادی را به این منطقه اعزام کرد. به این ترتیب ظهور و گسترش وهابیت در تمام کشورهای منطقه با رشد چشمگیری مواجه شد. علاوه بر این مجاورت با گروه‌های افراطی در افغانستان و تاثیرپذیری از آنها به همراه سیاست برخی از بازیگران فرامنطقه ای همچون آمریکا نیز نقش غیر قابل انکاری در رشد افراط گرایی در آسیای مرکزی داشت و در آینده نیز می‌تواند تاثیر قابل توجهی در بروز و ظهور داعش در منطقه داشته باشند. در مجموع روند تحولات و همچنین بررسی عوامل تاثیرگذار موجود نشان می‌دهد که در آینده گرایش مردم به جریان‌های افراطی همچنان ادامه خواهد یافت. زیرا سیاست‌های مذهبی دولت‌های منطقه جهت کنترل جریان‌های مذهبی، نتیجه عکس داده و جوامع نیز در مسیر شناخت درست از اسلام قرار نگرفته‌اند. این در حالی است که آسیای مرکزی، منطقه ای جذاب برای جریان‌های افراطی محسوب می‌شود، چرا که شکاف‌های قومی، مذهبی و هویتی، بسترها، ظرفیت‌ها، پتانسیل‌ها و جذابیت‌های مناسبی برای ورود و رشد تفکرات افراطی ایجاد کرده است (makhaterltakfir.com). این در حالیست که روسیه به ایجاد و تقویت ثبات در منطقه و ممانعت از صدور افراط گرایی، تروریسم، مواد مخدر و شرارت و تهدید های امنیتی به منطقه خارج نزدیک به عنوان حلقه امنیتی و محلی که آن را به عنوان محیط امنیتی فوری خود قلمداد می‌کنند، مبادرت نمودند (سجادپور و جهانبخش، ۱۳۹۲: ۴۹).

گروه‌های افراطی در آسیای مرکزی

با این حال اولین نشانه های مشهود از فعالیت گروه های اسلام گرا در منطقه آسیای مرکزی در دهه ۷۰ میلادی مشاهده گردید. در این دوره ورود مخفیانه برخی از گروه های تبلیغی سلفی از کشورهایی چون اردن، عراق و افغانستان، زمینه نفوذ افراط گرایی اسلامی را در این منطقه فراهم نمود. در سال های قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی چهار گروه عمده اسلام گرا، در آسیای مرکزی به خصوص در درّه فرغانه ایجاد گردیدند که عبارت بودند از عدالت، برکت، توبه و اسلام لشکرلاری اسلامگرایی افراطی از اوایل دهه ۹۰ م در آسیای مرکزی رشد پیدا کرد و این روند در تاجیکستان، یکی از عوامل بروز جنگهای داخلی بود. ظهور گروه های مخفی در ازبکستان و قزاقستان نیز تجلی اسلام تندرو بوده است. اکثر مسلمانان منطقه آسیای مرکزی به آموزه‌های مذهب حنفی منتسب می‌شوند. مذهب حنفی بالاترین شمار پیروان را در میان مذاهب اهل سنت دارد، به همین دلیل پرنفوذترین مذهب در جهان است و از مالزی، آسیای مرکزی تا خاورمیانه گسترده شده است (موری و تاستی، ۱۳۹۶: ۲۸).

میراث مشترک، تاریخ، زبان و دین در دهه اول قرن بیست و یکم، رابطه سازنده ای میان آسیای مرکزی و ترکیه به همراه داشت و برای رسیدن به نتایج مطلوب، تنوع جغرافیایی شبکه فتح اله گولن ضروری بود. نهضت

گولن، پیشرفته ترین گروه اسلامی در منطقه است چنانکه با پیشرفت های فناوری موافق است و تلاش می کند این پیشرفته را در زمینه های دینی تعدیل کند. نهضت گولن با گسترش گونه جدیدی از آموزش در پی ترکیب علوم اثباتی با علوم دینی است و مدارس مختلفی در استان های مختلف آسیای مرکزی ترتیب داد. در سال ۲۰۱۴، دولت ازبکستان اولین دولتی بود که همه مدارس گولن را در کشور تعطیل کرد. بلافاصله پس از آن، دولت ترکمنستان نظام آموزش خصوصی را به نظام آموزش دولتی تبدیل کرد. پس از آن دولت تاجیکستان نیز از بیم آنکه این گروه در پی ایجاد دولت موازیست و با این ادعا که به دانش آموزان آموزش اسلام ارائه می کنند، مدارس گولن را تعطیل کرد. افزایش تمایل به جنبشهای جهادی و افراط گرا در تاجیکستان، دولت را واداشت که از بیم بی ثباتی بیشتر، اقدامات و نظارت های سخت گیرانه را علیه جمعیت های اسلامی افزایش دهد. در حالی که این سیاستهای سخت گیرانه منجر به تکرر بیشتر ستیزه ها و تحریک مخالفت ها گردید که فضایی برای رشد افراطی گری ایجاد کرد. امروزه گروه ها و احزاب سیاسی مختلفی در آسیای مرکزی حضور دارند و با اینکه دولت ها، اغلب آنها را با عنوان افراطی می شناسند، عمیقاً با یکدیگر متفاوت هستند و به اندیشه ها و سرچشمه های فکری مختلفی تعلق دارند.

جنبش اسلامی ازبکستان، اتحادیه جهاد اسلامی، حزب التحریر و جماعت تبلیغی اصلی ترین گروه های اسلامی هستند که در آسیای مرکزی فعالیت می کنند. این باور وجود دارد که جنبش اسلامی ازبکستان و اتحادیه جهاد اسلامی از اجبار و دیگر ابزارهای خشونت آمیز برای رسیدن به اهدافشان استفاده می کنند. از سال ۲۰۰۱ هر دو گروه علیه نیروهای ائتلاف در افغانستان می جنگیدند. تندروترین گروه در این میان، نهضت اسلامی ازبکستان است که از اتحاد رهبران نهضت های عدالت، اسلام لشکرلاری و توبه در سال ۱۹۹۸ میلادی شکل گرفت. در دو دهه گذشته حملات تروریستی زیادی با هدف تأسیس یک دولت اسلامی از سوی این سازمان انجام شده است. بیشتر اعضای این جنبش، ازبک بوده و در درّه فرغانه ساکن هستند. این جنبش از همان آغاز به درگیری مسلحانه روی آورد و اردوگاه هایی را در افغانستان و تاجیکستان برپا کرد. از سال ۲۰۰۴ این سازمان به دو شاخه تقسیم شد، یکی نهضت اسلامی ترکستان که رویای تأسیس خلافت منطقه ای سین کیانگ و جامعه ترک تبار آسیای مرکزی را در سر داشت و دیگری اتحاد جهاد اسلامی که شاخه نظامی جنبش اسلامی ترکستان معرفی شد. اتحاد جهاد اسلامی که بیشتر با القاعده و طالبان نسبت داشت به داعش نیز پیوست. تهدید داعش نیز نگرانی هایی جدی در میان کشورهای آسیای مرکزی ایجاد کرد.

حزب التحریر اسلامی^۱ و حزب رنسانس اسلامی سازمان های معتدل تری هستند که آموزه های غیرخشونت بار را تبلیغ اما اهداف متفاوتی را دنبال می کنند. از یک سو، حزب التحریر با هدف تأسیس خلافتی فراملی، جزوه های تبلیغاتی منتشر می کند و از سوی دیگر حزب رنسانس اسلامی که نه در پی استقرار دولت اسلامی، بلکه مخالف امپریالیسم غربی و به دنبال ایجاد یک جامعه اسلامی است. هر دو گروه برای ثبات سیاسی کشورهای آسیای مرکزی خطرناک و در همه دولت ها غیرقانونی هستند.

^۱ Hizb ut-Tahrir

^۲ Islamic Renaissance Party of Tajikistan

حزب التحریر به طور عمده در قرقیزستان و به ویژه در پی اقدامات شدید و سرکوب گرانه در ازبکستان حضور دارد. نهضت اسلامی ازبکستان و حزب التحریر بر این عقیده اند که دولت ها و مدیریت های اسلامی مورد حمایت آنها فاسد بوده و معنویتی در آنها دیده نمی شود، پس خواستار از بین بردن قهرآمیز این دولت ها هستند. هرچند حزب التحریر ادعا می کند که مخالف کاربرد خشونت است اما اسناد به دست آمده از اعضای این گروه نشان دهنده صدور مجور این حزب برای کاربرد زور می باشد. تعداد اعضای این حزب در ازبکستان که مرکز اصلی فعالیت آن در آسیای مرکزی است بین هفده الی شصت هزار نفر تخمین زده می شود. جماعت تبلیغی^۱ یکی دیگر از جنبش های فراملی در منطقه است که می تواند به عنوان یک گروه نوپنیدار در نظر گرفته شود که بر رشد دینی افراد تأکید دارد و کمتر به دنبال تغییرات اجتماعی نظام مند است. این سازمان که در سال ۱۹۲۰م در هند تأسیس شد، استفاده از خشونت را به عنوان ابزاری برای استقرار دولت اسلامی رد می کرد. بنابراین این گروه به دنبال استقرار خلافت یا تقویت فعالیت های جهادی نیست، اما ویژگی های محافظه کارانه و غیر سیاسی خود بر بازگرداندن مسلمانان به اسلام حقیقی تأکید دارد. به رغم اینکه قرقیزستان و دیگر کشورهای منطقه در سال ۲۰۱۳ فعالیت این گروه را ممنوع اعلام کردند، قرقیزستان هنوز فعالیت این گروه را ممنوع نکرده است. اگرچه نیز از گروه هایی است که در سال ۱۹۹۳ در اندیجان ایجاد شد. اگرچه مردم را به بازگشت به ریشه های خود مانند همه سلفیون دعوت کرده و درصدد نفوذ بر حاکمان منطقه و در مرحله بعد کنترل آنها می باشد. حزب النصره هم از جمله گروه های اسلام گرای افراطی فعال در سطح منطقه می باشد. در این منطقه سه کشور ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان به نسبت دو کشور قزاقستان و ترکمنستان، مشکلات بیشتری با رشد رادیکالیسم دینی داشته اند. در بین سه کشور فوق نیز دره فرغانه به دلیل شرایط مناسب جغرافیایی جهت اختفاء و قوت اعتقادات ساکنان این منطقه، مرکز فعالیت گروه های اسلامگرا می باشد.

آسیای مرکزی یکی از مناطق مورد توجه داعش برای شکل دهی به شبکه هواداری فرامرزی از سلول های تروریستی با هدف انجام اقدامات تروریستی در مناطق نبرد در سوریه و عراق است. مسأله اصلی نه تنها حضور این افراد در مناطق نبرد تحت تصرف داعش، بلکه بازگشت آنان به مناطق آسیای مرکزی و انجام اقدامات تروریستی و تلاش برای فروپاشی نظم اقتصادی- سیاسی موجود در این منطقه می باشد. (دهشیری و جوزانی کهن، ۱۳۹۴: ۶۳). اطلاعات دقیقی درباره شهروندان کشورهای آسیای مرکزی که به داعش پیوسته اند وجود ندارد. مطابق نظر گروه بحران بین المللی تعداد افرادی که از آسیای مرکزی به داعش پیوسته اند بین ۲۰۰۰ تا ۴۰۰۰ نفر بوده است در حالی که بعضی کارشناسان تعداد بیشتر از ۴۰۰۰ نفر را مدنظر دارند.

³- Tablighi Jamaat

سین کیانگ^۱

استان یا ایالت سین کیانگ در منطقه ای کوهستانی- بیابانی در شمال غرب چین و در همسایگی آسیای مرکزی واقع است (تصویر شماره ۲). این ایالت در مرکز سرزمین های وسیع در میانه اوراسیا و همچنین در مسیر راه های ارتباطی مهم جاده ابریشم چین با کشورهای در غرب آسیا و اروپا در گذشته قرار گرفته است. نام قدیمی این منطقه ترکستان شرقی بوده است. مرکز استان سین کیانگ، شهر اورومچی می باشد که اکثریت جمعیت آن را چینی های قوم هان (نژاد اصلی چین) تشکیل می دهد. ساکنان اصلی منطقه سین کیانگ، اویغورهایی هستند که قرن هاست در غرب چین در حوزه تاریخ زندگی می کنند.



تصویر شماره (۲)

منطقه سین کیانگ با مساحتی بالغ بر ۱۶۶۴۹۰۰ کیلومتر مربع، تقریباً معادل سرزمین ایران و یک ششم کل مساحت چین واقع در غرب این کشور است که با هشت کشور روسیه، مغولستان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، افغانستان و پاکستان در جنوب غربی، جمعاً ۵۶۰۰ کیلومتر مرز مشترک دارد. این منطقه در سال ۱۹۵۵م توسط دولت مرکزی چین به عنوان منطقه خودمختار معرفی و در سال ۲۰۱۵ شصتمین سالگرد خودمختاری آن جشن گرفته شد. در حال حاضر، جمعیت ساکن در این منطقه بالغ بر بیست میلیون نفر است که ۵۱ درصد آن از نژاد اویغور و سایر نژادهای اقلیت و بقیه از نژاد هان هستند.

استان سین کیانگ به خاطر داشتن منابع غنی نفت و گاز و زغال سنگ و همچنین موقعیت استراتژیک دارای اهمیت زیادی است. منابع نفتی آن ۴۰ میلیون تن برآورده شده و حاوی معادن طلا و مس نیز می باشند و بنا به بعضی از برآوردها در حدود ۲/۲ تریلیون تن زغال سنگ دارد. همچنین مجموع ذخایر گاز طبیعی، زغال سنگ و دیگر منابع فسیلی در سین کیانگ، بیش از ۲۰ درصد از ذخایر انرژی چین را به خود اختصاص داده است. ذخایر نفت در سین کیانگ در مجموع ۲۳/۴ میلیارد تن و منابع گازی تقریباً ۱۳ تریلیون متر مکعب است که ۲۳/۳ درصد کل منابع گاز طبیعی چین را تشکیل می دهد. در حال حاضر سین کیانگ، حدود ۳۰

^۱- Xinjiang Uyghur Autonomous Region (XUAR)

درصد از تولید گاز طبیعی و ۱۳ درصد از نفت خام چین را تشکیل می دهد. بنابراین ترویج توسعه صنعت انرژی در سین کیانگ اهمیت بسیار حیاتی دارد و نه تنها برای امنیت انرژی چین، بلکه برای توسعه اقتصادی و اجتماعی منطقه نیز ضروری است. سین کیانگ از نظر امنیت انرژی برای چین اهمیت بسیار زیادی دارد زیرا منطقه ترانزیت نفت و گاز به تعدادی از جمهوری های آسیای مرکزی است.

تمام یا بخش هایی از منطقه سین کیانگ به مدت طولانی تحت کنترل سیاسی یا نفوذ چینی ها، مغول ها و روس ها بوده است. جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹ کنترل سین کیانگ را بدست گرفت و به شکل رسمی ایالت سین کیانگ را در سال ۱۹۵۵ تأسیس کرد. پس از جنگ ۱۹۶۲م چین اکسای را تصرف کرد که فلاتی است که از آن جاده اصلی لهاسا-سین کیانگ می گذرد و چین می بایست از شرق آروناچال پرادش تا خط کنترل فعلی دریاچه عقب نشینی می کرد این خط ادامه خط مک ماهون است که در سال ۱۹۱۴ توسط بریتانیا چین و تبتی ها مشخص شد (فوشه، ۱۳۹۵: ۶۶). سین کیانگ یک منطقه استراتژیک برای ایجاد کریدور اقتصادی چین و پاکستان است که شامل پروژه های زیربنایی تحت حمایت چینی ها و توسعه انرژی در آسیای مرکزی و جنوبی است. سین کیانگ هسته مرکزی کمربند اقتصادی جاده ابریشم است و به این ترتیب چین از طریق جاده شبکه های راه آهن و انرژی به هشت کشور هم مرز افغانستان، هند، قزاقستان، قرقیزستان، مغولستان، پاکستان، روسیه و تاجیکستان متصل میشود (ملکی و رئوفی، ۱۳۹۵: ۹۸).

بخش مهمی از استراتژی کلی استفاده از آسیای مرکزی برای اطمینان از معیشت اقتصادی سین کیانگ است. پکن قاطعانه معتقد است که رشد اقتصادی در آسیای مرکزی ثبات را در چین و منطقه تقویت می کند؛ لذا به طور گسترده در حال سرمایه گذاری در منطقه است و بزرگراه ها، خطوط لوله، راه آهن و شبکه های برق می سازد تا از توسعه اقتصادی-اجتماعی منطقه و اینکه رژیم های منطقه در قدرت می مانند، مطمئن شود. چین برنامه های گسترده ای برای افزایش تعامل با کشورهای این منطقه در آینده دارد، برنامه هایی که نماد آن احداث چند خط لوله جدید در یک دهه آینده برای انتقال انرژی این منطقه به بازار چین است. به علاوه، دولت چین برنامه ای را برای تبدیل کردن سین کیانگ به کانون انرژی منطقه تهیه کرده است، برنامه ای که حدود ۱۰۰ میلیارد یوان برای اجرای آن هزینه خواهد شد. بنابراین وجود ناامنی و ظرفیت های واگرایی در سین کیانگ سبب شده است تا روابط پکن با کشورهای آسیای مرکزی بیش از پیش گسترش یابد (سجادپور و پورقربان نیایی، ۱۳۹۷: ۹۹). چین امیدوار است که با ایجاد این استان به عنوان یک دروازه به پل سرزمین اوراسیا از طریق آسیای مرکزی به اروپا، یکی از بزرگترین تهدیدهای امنیت داخلی خود را کاهش دهد. چین قصد دارد تا از مزایای جغرافیایی سین کیانگ بهره برداری کند و آنجا را به مرکز اصلی برای حمل و نقل، تجارت، پشتیبانی لجستیکی، فرهنگ، علوم و آموزش تبدیل سازد.

¹⁻ McMahon Line

اویغور

قوم اویغور^۱ حدود شش هزار سال پیش شکل گرفتند اما اصطلاح اویغور زودتر از قرن پنجم در هیچ منابعی یافت نمی شود. نام اویغور ابتدا در کتیبه های اورخون کوک ترک و در اوایل قرون وسطایی در منابع مانیچائیان و سوگدیان (سغدی ها) و همچنین در دست خط های عربی- فارسی ظاهر شده است. جیمز میلوارد استاد تاریخ دانشگاه جرج تاون آمریکا که متخصص تاریخ چین و اوراسیای مرکزی است در کتاب خود به نام چهارراه اوراسیا: تاریخچه سین کیانگ (۲۰۰۷) می نویسد که سرچشمه اصلی اویغورها در سرزمینهای اصلی مغولستان است بخصوص دره رودخانه ارخون. وی خاطرنشان می کند قبایلی که با نام اویغور شناخته می شدند مسلمان نبودند بلکه مانیچائی بودند. حکومت قارقانیان حوضه طارم غربی را به جهان اسلام ماوراء النهر و بخش هایی از غرب متصل کردند و تحت حکومت آنها بود که ترک ها و بخش اعظمی از جمعیت سین کیانگ مسلمان شدند و مردم جدید اویغور نام خود را از امپراتوری اویغور و ایالت خوچو (اویغورستان) گرفتند. همچنین ایتولوگ اظهار داشت زبان اویغور متعلق به خانواده زبان اورال آلتائیک، یک گروه زبان ترکی از شاخه شرقی است. در حالی که ایغورها در طول تاریخ از تعدادی سیستم نوشتن مختلف استفاده کردند اما امروز از یک سیستم نوشتن بر اساس متن عربی استفاده می کنند. البته اختلافات زیادی میان گویشهای داخلی بین اویغورها چین، قزاقستان، قرقیزستان و ازبکستان وجود دارد.

اویغورها که در شمال غربی چین قرار دارد، در مرز با آسیای مرکزی در پیوند هستند. اویغورها در منطقه ای وسیع که حدود ۱۹ میلیون نفر جمعیت دارند و حدود ۸ میلیون نفر از این ساکنین مسلمان از تبار اویغور و به زبان ترکی تکلم میکنند و در جنوب منطقه در اطراف شهرهایی مانند کاشغر واقع شده اند و در میان چینی ها با عنوان کاشی شناخته می شوند، حضور دارند. اویغورها در تأسیس دو جمهوری کوتاه مدت ترکستان شرقی در دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰م نقش داشتند.

قلمرو اویغورها تقریباً یک ششم از کل مساحت چین را شامل می شود و با هشت کشور هم مرز است. این منطقه سرشار از مواد معدنی است و دارای بزرگترین ذخایر زغال سنگ و گاز طبیعی چین و یک پنجم از ذخایر نفتی آن کشور است. بیش از هشتاد درصد پنبه چین در این منطقه تولید میشود. اویغورها از نظر مذهبی، مسلمان هستند و به زبان ترکی اویغوری صحبت می کنند، بنابراین با نژاد اصلی مردم چین یعنی نژاد هان تفاوت دارند. اکثر اویغورها از مکتب فقه اسلامی حنفی پیروی می کنند (که نماز را به زبانی غیر عربی مجاز می داند) البته تمایلات در غرب سین کیانگ با تأثیرات تصوف، زرتشت، بودیسم و شمنیسم توأم شده است. در اینجا تأثیرات شیامی از آسیای مرکزی قوی تر است در حالی که در جنوب آیین بودایی از هند بیشتر تأثیر پذیرفته است. اگرچه چنین تأثیراتی از قبل از اسلام به وجود آمد اما تمرین معنوی واقعی برای بسیاری از اویغورها، به ویژه ساکنان حومه شهر، ترکیبی از آداب و رسوم اسلامی و ارتدوکس و سنت های قدیمی دیگر است. این موضوع به دلیل استقرار حکومتهای مقتدر در دوره ای ۲۰۰۰ ساله در منطقه بوده است.

^۱- Uyghurs

دولت چین چندین حملات مرگبار در سین کیانگ را به جنبش اسلامی ترکستان شرقی نسبت داده است که آن را به عنوان یک گروه جدایی طلب و تروریستی اویغور با روابط با سازمان های تروریستی جهانی در نظر می گیرد که در کشورهای همسایه یعنی افغانستان، پاکستان و حوزه فرغانه آموزش دیده اند. تخمین زده شده که در حال حاضر ۱/۵ میلیون نفر - عمدتاً اویغورها، با سایر اقلیت های مسلمان در سین کیانگ مانند قزاق ها و قرقیزستان - در مراکز آموزشی به سر می برند (Putz, 2019). چین اقدامات خود در جهت کنترل اویغورهای افراطی را به عنوان پاسخ به یک سری حملات تروریستی منسوب به اویغورس، از جمله حمله با چاقو در سال ۲۰۱۴ در ایستگاه راه آهن کونمینگ که منجر به کشته شدن ۳۵ نفر شده، عنوان کرده است (Schiavenza, 2020). نگرانی مقامات چینی این است از آنجاییکه اویغورها افکار افراطی و جدایی طلبانه دارند این اردوگاه ها راهی برای از بین بردن تهدیدات برای تمامیت ارضی، دولت و جمعیت چین میباشد. از این رو دولت سین کیانگ قانونی را در سال ۲۰۱۷ تصویب کرد که بیان افراط و تفریط را ممنوع می کند و محدودیت هایی را برای بنیادگرایان بوجود می آورد (fas.org). این قانون ضد افراط گرایی در نظر گرفته میشود که به طور رسمی استفاده از مراکز آموزشی برای از بین بردن افراط گرایی را به رسمیت میشناخت (Maizland, 2020). نگرانی از افزایش ناسیونالیسم در حال رشد اویغور بر سیاست توسعه اقتصادی چین و نیازهای رو به رشد انرژی آن که آسیای مرکزی را به یک منطقه استراتژیک تبدیل می کند، تأثیر می گذارد. در یک دهه گذشته، چین بر اساس چنین منافع استراتژیک روابط بهتری با همسایگان خود در آسیای مرکزی برقرار کرده است. چین می خواهد با توسعه این روابط به ایجاد اتحادهایی برای جلوگیری از پیشرفت ناسیونالیسم افراطی اویغور گسترش دهد (Hyer, 2006).

ایغورها اگر به لحاظ آرمانی به دنبال استقلال از چین نبوده اند ولی بی شک خودمختاری بیشتر را خواستارند. البته در منطقه مسلمان نشین چین مساله اساسی هویت اسلامی نیست بلکه مساله مهم تر وجود یک نهضت آزادی بخش ملی بوده است که به موازات و همسو با جنبش استقلال خواهی بوداییان تبت پیش رفته است. البته قدرت گرفتن چین و تسلط بیش از پیش حکومت چین بر حفره های حاکمیتی این کشور در غرب چین این نهضت ها در حال حاضر رو به افول گذارده است.

سیر تحول تاثیر سین کیانگ از افراط گرایی آسیای مرکزی

طی بیش از یک دهه اخیر، روابط چین با آسیای مرکزی نه فقط در حوزه فرهنگی، بلکه در ابعاد اقتصادی و سیاسی نیز شاهد رشد فراوان و قابل توجهی بوده است. اقدامی که در نهایت، می تواند سبب توسعه عرصه بازیگری کم و بیش انحصاری یا دست کم غالب چین شده و ضمن تأمین منافع چندبعدی این کشور در منطقه، زمینه توسعه کلی قدرت این کشور در عرصه بین المللی را نیز فراهم آورد (عزیزی، ۱۳۹۳: ۱۱۲). فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و باز شدن فضای آسیای مرکزی نیز زمینه مناسبی را برای برقراری دوباره پیوندها میان چین و جمهوریهای آسیای مرکزی فراهم کرد. از آن زمان تاکنون، رابطه چین با جمهوری های

آسیای مرکزی در ابعاد گوناگون جریان داشته است. استراتژیست های چینی، آسیای مرکزی را عقبه استراتژیک خود در جهت تأمین امنیت مناطق غربی و ظهور صلح آمیز در این مناطق می دانند. نقطه شروع حرکت برای درک رویکردهای چین نسبت به آسیای مرکزی دنگ شیائوپینگ است، کسی که در اوایل دهه ۹۰م اذعان کرد که چین باید خود را به خواب بزند و منتظر فرصت برای تصمیم گیری باشد.

همان گونه که زبان، مذهب و نژاد مشترک مردم سین کیانگ با اویغورهای آسیای مرکزی، امنیت ملی چین را با تهدید مواجه کرده، محققان و دولت مردان چین همیشه به مسائل امنیتی در ورای مرزهای سین کیانگ در آسیای مرکزی توجه بسیار داشته اند. سابقه طولانی نا امنی های منطقه ای و تأثیر آن بر سرزمینهای شمال غربی چین از دلایل اصلی توجه چین به سین کیانگ بخصوص مناطق اویغورنشین است.

تحولات در سین کیانگ، متأثر از عوامل سیاسی و دینی در آسیای مرکزی بوده است. موضوع اویغورها از دو جهت نگرانی چین را افزایش داده است؛ نخست جریان ملی گرایی جدایی طلب اویغور و دوم جریان بنیادگرایی اسلامی در مناطق شمال غربی چین. هنگامی که اتحاد جماهیر شوروی از هم فروپاشید و پنج جمهوری در آسیای مرکزی مستقل شدند از آنجایی که بخش هایی از مناطق شرق قرقیزستان و قزاقستان اویغور می باشند بنابراین استقلال این مناطق برای اویغورهای سین کیانگ تحریک کننده بود. از سوی دیگر، تأثیر جهاد مردم افغانستان علیه اشغال شوروی و سپس رشد اسلام گرایی در دوره پسا شوروی در آسیای مرکزی و همچنین حاکمیت چندساله طالبان در افغانستان و حضور القاعده در این دوره، مجموعاً جزء دلایل رشد بنیادگرایی در سین کیانگ بوده است. ضمن اینکه القاعده و سازمان های پیرو آن به منطقه آسیای مرکزی نفوذ و با جوانان رادیکال اویغوری ارتباط برقرار کردند. همچنین می توان جدایی طلبی اویغوری را بخشی از پان ترکیسم دانست که کانون اندیشه ترک گرایی نیز ترکیه است.

بنابراین باید دانست که چین نسبت به روندها و شوک های امنیتی منطقه آسیای مرکزی و تأثیراتی که این روندها می تواند بر امنیت ملی این کشور داشته باشد، بسیار حساس و نگران است. شاید بتوان یکی از دلایل مهم این حساسیت را به فهم و ادراک تاریخی چین مربوط دانست که بر اساس این ادراک همواره بزرگ ترین تهدیدهای امنیتی برای این کشور از مرزهای شمال و غرب این کشور صورت گرفته و منجر به تصرف و از دست دادن بخشی از سرزمین چین شده است که به عنوان مثال می توان به تهاجمات قرن های ۱۳ و ۱۷ علیه این کشور اشاره داشت.

با توجه به اینکه اویغورها در سایر جمهوری های آسیای مرکزی به طور پراکنده در حال زندگی هستند و این مسئله موجب نگاه ویژه و امنیتی چین به این جمهوری ها شده است. در قرقیزستان حدود ۵۰ هزار اویغور ساکن هستند و پکن به بیشکک برای جلوگیری از حمایت این گروه از اویغورهای چین فشار وارد ساخته است. دولت قرقیزستان با شدت عمل در قبال فعالیت گروه های اویغور در این کشور و دستگیری مظنونین به عضویت در جنبش های جدایی طلب در صدد رفع نگرانی های چین بوده است. در تاریخ ۳۰ اوت ۲۰۱۶، یک بمب گذار انتحاری در دروازه های سفارت چین در بیشکک، قرقیزستان را لرزاند و خودش را به قتل رساند و

سه نفر دیگر را مجروح کرد. این انفجار برای چین یک شگفتی ناخوشایند به وجود آورد، زیرا حملات به مأموران چینی در خارج از کشور یک پدیده تقریباً غیرقابل مشاهده است. گروه های جدایی طلب اویغور بلافاصله برای این حمله مقصر شناخته شدند و ۱۰ ماه بعد، یک دادگاه منطقه ای بیشکک در ارتباط با این حمله که منتسب به جبهه النصره بود، سه نفر را در ارتباط با این بمبگذاری محکوم کرد و رسماً فعالیت های گروه های اسلامی مشکوک به افراط گرایی در آسیای مرکزی ممنوع شد (Toktomushev, 2018).

طبق آمار رسمی چین از سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۰۱ جدایی طلبان منطقه سین کیانگ که در آن مردم مسلمان مانند اویغور ازبک و قرقیز به سر می برند به بیش از ۲۰۰ عمل تروریستی دست زدند که طی آن بیش از ۶۰۰ نظامی و غیرنظامی کشته شدند. قزاقستان هم نگران هجوم افراطیون اسلامی به این کشور بوده که بیشتر در بین مهاجران غیرقانونی از چین، ازبکستان، افغانستان و پاکستان به چشم می خوردند و در مناطق مرزی چین مخفی می شدند. دولت قزاقستان در سپتامبر ۱۹۹۸م دو اویغور را به کشور چین تحویل داد که متهم به عملیات تروریستی بودند. در سال بعد هم دو نفر به اتهام سازمان دهی عملیات تروریستی در تاشکند به ازبکستان تحویل داده شدند. اتباع کشور افغانستان و پاکستان هم به قصد رفتن به چین به طور متناوب دستگیر شدند.

گرایشات تجزیه طلبی در سین کیانگ

در سال های ۱۹۳۳، ۱۹۳۴، ۱۹۴۴، ۱۹۴۶ پان ترکیست ها و مسلمانان کوشیدند در بخشی از منطقه یک جمهوری مستقل اویغورستان ایجاد کنند، اما با پیروزی کمونیست ها در جنگ های داخلی چین و با به رسمیت شناختن خودمختاری سین کیانگ، پکن خودگردانی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی اویغورها را در چارچوب جمهوری خلق به رسمیت شناخت. با این وجود مخالفتها با حضور چین در این منطقه کاهش نیافت و در دهه ۵۰م، پکن برنامه مهاجرت توده ای چینی های هان تبار را به سین کیانگ آغاز کرد و با این اقدام به خشم و نارضایتی بیشتر مردم این منطقه از دولت مرکزی دامن زد. اگرچه اویغورها از نظر تاریخی اکثریت ساکنان سین کیانگ را تشکیل می دادند، اما امروزه نژاد چینی بیش از نیمی از جمعیت این ایالت را تشکیل می دهد و بیشتر مناصب دولتی و اجرایی را نیز در اختیار گرفته است.

از سوی دیگر با توجه به نظریه دنگ شیائوپینگ مبنی بر ایجاد یک سری نقاط پیشرفته در مناطق ساحلی و جنوب شرقی چین و اینکه این نقاط می توانند همانند نیروی محرکهای، دیگر نقاط کشور را به دنبال خود بکشند، مناطق توسعه یافته و ثروتمند به طور عمده در نواحی گفته شده شکل گرفت. اما طی مدت سی سال پس از اصلاحات، اختلاف شدید بین این مناطق با نواحی مرکزی و غربی این کشور از نظر سطح توسعه یافتگی پیدا شد و مناطق پیشرفته ای که قرار بود باعث توسعه مناطق دیگر شوند در انجام مأموریت مورد نظر دنگ ناتوان ماندند.

بنابراین وجود اختلافات مذهبی، قومی و تاریخی از یک سو و اختلاف فاحش سطح توسعه یافتگی این منطقه با سایر نقاط چین از سوی دیگر، امکان گسست سین کیانگ را از چین فراهم کرد، بطوریکه گاهی در این منطقه، شورش های اجتماعی رخ می دهد. البته پس از سال ۲۰۰۹ نیز درگیری های متعددی میان اویغورها و نیروهای امنیتی چین رخ داده است. از سوی دیگر حاکم بودن اسلام سنی و گاه افراطی در سین کیانگ و پیوندهای نزدیک آن با مناطق مجاور نظیر کشورهای آسیای مرکزی باعث شدت یافتن تمایلات جدایی طلبانه آنان شده است که گاه به افراطی گری منجر می شود. چین نگران گسترش این تمایلات در کشور خود است و امکان انتقال ناامنی ها را از آسیای مرکزی به کشور خود بسیار قابل توجه می داند.

این نکته خیلی مهم است که ترس چین از حمایت مردمی در سین کیانگ جهت ایجاد یک جمهوری ترکستان شرقی جدید به هر حال بسیار بیشتر از حمایت واقعی مردم در سین کیانگ است. البته که ترس های چین بی مورد نیست. همان طور که گفته شد، اقلیت مسلمان سین کیانگ فعالیت های نظامی خود را از زمان استقلال کشورهای آسیای مرکزی افزایش داده اند. این موضع چین را نسبت به شورشیان و مخالفان، غرب با سکوت و خاموشی تأیید کرده است. ترس چین به ویژه از این جهت است که برخی گروه های قومی در آسیای مرکزی که گروه های اقلیت در سین کیانگ محسوب می شوند، مثل تاجیک ها، قزاق ها و قرقیزها برای خودشان کشورهای مستقلی درست کرده اند، اما بزرگ ترین گروه اقلیت در سین کیانگ، یعنی اویغورها هنوز بدون کشور مانده اند.

چین علاوه بر جنبش ترکستان شرقی و کنگره جهانی اویغورها، بیش از ده سازمان تروریستی مستقر در آسیای مرکزی، افغانستان و سین کیانگ را فهرست کرد که به هدایت خشونت در سین کیانگ و بخشهای دیگری از چین متهم بودند. برخی از این گروهها به دنبال جدایی کامل و استقلال تام هستند و برای رسیدن به این هدف خود به اقدامات خشونت آمیز متوسل میشوند. بر اساس آن چه گفته شد، بیشتر اویغورها قویا مخالف آن چه که استعمار نژاد هان می خوانند، هستند و معتقدند اقدامات دولت چین باعث شده تا اویغورها مایل به مقاومت صلح آمیز و یا خشونت آمیز در برابر این فرآیند، باشند. بعضی از خوش بینان آنها به دنبال زنده نگاهداشتن ایده خودمختاری سین کیانگ در قانون اساسی چین هستند. آنها به دنبال کاهش حضور هان ها و همچنین استقلال داخلی بیشتر در روابط شان با پکن می باشند.

اما بدبینان متقاعد شده اند که تنها راه حل، استقلال ملی و سرزمینی است. با این حال، دولت جمهوری خلق چین سعی دارد تا ثبات را در سین کیانگ حفظ کند و با هرگونه نظر و عملی که ممکن است تمامیت ارضی این کشور را که از سال ۱۹۴۹م به وجود آمده به خطر بیندازد به شدت مخالف است. از نگاه مقامات رسمی پکن، سین کیانگ جزء جدایی ناپذیر چین در ۲۰۰۰ سال اخیر بوده است.

با آنکه اقوام ساکن در این استان از نظر تحصیلات، اقتصاد و فرهنگ مختلف بوده و نمی توان اهداف واحدی برای آنها تعریف نمود ولی می توان سه گرایش عمده را در این استان برشمرد. گروه اول با گرایش به یکسان سازی؛ این گروه که تعداد کمی دارند فقط خواستار فرصت های برابر با سایر مردم چین هستند. گروه دوم با

گرایش به خودمختاری؛ این گروه خواستار حفظ فرهنگ، هویت و سنتهای اویغوری و خودمختاری سیاسی هستند. گروه سوم با گرایش های جدایی طلبانه؛ همان اهداف گروه دوم را دارند ولی با استقلال کامل سیاسی. جدایی طلبان خود به دو گروه تقسیم می شوند؛ عده ای رسیدن به استقلال را از راه های مسالمت آمیز و صلح جویانه امکان پذیر می دانند ولی عده ای دیگر معتقدند که این امر فقط از طریق جنگ مسلحانه و اعمال خشونت آمیز امکانپذیر خواهد بود (سجادپور و پورقربان نیایی، ۱۳۹۷: ۸۴).

مهمترین جریانات رادیکالی اسلامی در چین

یکی از فعال ترین گروه هایی که از سین کیانگ تا وزیرستان فعالیت می کند، جنبش اسلامی ترکستان شرقی^۱ است. این جنبش در سال ۱۹۸۹م (به گفته برخی از منابع ۱۹۹۳م) توسط ضیاءالدین یوسف و با هدف جدایی سین کیانگ از چین و اداره این منطقه توسط اسلام گراها، تأسیس شد. یوسف معتقد بود که مردم ترک زبان آسیای مرکزی نباید تحت کنترل هیچ کدام از دو دولت شوروی و چین باشند. این ایدئولوژی پان ترکیسم که با آموزه های اسلامی ترکیب شده بود خود به نوعی ناشی از شکست تهاجم اتحاد جماهیر شوروی از مجاهدین و نیروهای مبارز جهادی خارجی در افغانستان می شد. جنبش اسلامی ترکستان شرقی در تلاش برای ایجاد کشمکش بین سین کیانگ و دولت مرکزی چین با استفاده از خشونت افراط گرایان بود تا به اهداف سیاسی خود یعنی استقلال ترکستان شرقی دست یابد. این سازمان با توجه به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی توانست با احزاب و گروه های بنیادگرا در آسیای مرکزی ارتباط برقرار و سپس با حضور طالبان و القاعده در افغانستان همکاری هایی با آنها داشته باشد. هر چند جنبش اسلامی ترکستان شرقی با سرنگونی طالبان همکاری های خود را به نواحی وزیرستان پاکستان کشاند، اما با توجه به همکاری ها و هماهنگی ها با سایر جنبش های همگرا و بنیادگرا اقتدار خود را حفظ کرده است. این جنبش که حملات تروریستی زیادی در آسیای مرکزی و چین انجام داده، از سوی کشورهای چین، قزاقستان و ایالات متحده آمریکا به عنوان سازمان تروریستی اعلام شده است. اعضای این گروه در پاکستان آموزش می بینند و در ارتباط نزدیک با جنبش اسلامی ازبکستان فعالیت میکنند و به ادعای چین از القاعده کمک مالی می گیرند. اکنون نیز برخی از اعضای آن به عضویت داعش درآمدند.

کنگره جهانی اویغور^۲ گروهی جدایی طلب دیگریست که در سال ۲۰۰۴ م تأسیس شد و تلاش می کند به عنوان نماد دموکراسی خواهی و دفاع از حقوق بشر در سین کیانگ مطرح شود. این کنگره تصریح کرده است که حرکت اعتراضی آن ها مذهبی نیست. این کنگره مدعی است که در کنار هجوم گسترده زبان چینی، نسل کشی فرهنگی اویغورها و نادیده گرفتن فرهنگ و هویت آنها، دولت چین حقوق اقتصادی اویغورها را نیز تضییع می کند. آن ها اعتراض دارند که حضور چینی های خن در سین کیانگ به شکل تعمدی و هدایت شده افزایش یافته است و دولت چین می خواهد سرکوب اویغورها در سین کیانگ را با توسل به جنگ علیه

^۱ First East Turkistan Republic

^۲ The World Uyghur Congress

تروریسم و بنیادگرایی توجیه کند. این در شرایطی است که اسلام مدنظر اویغورهای سین کیانگ (به استثنای حامیان جنبش اسلامی ترکستان شرقی) ارتباطی به اسلام جعلی بنیادگرا و تکفیری ندارد. این کنگره معتقد است حرکت اعتراضی آنها با جنبش اسلامی ترکستان شرقی ارتباطی ندارد. رهبران کنگره که در آمریکا مستقر هستند نیز تلاش می کنند تا با افزایش حمایت اروپا و آمریکا به فشار بر ضد پکن بپردازند.

در این میان تلاش برخی از کشورهای منطقه ای و فرا منطقه ای برای استفاده ابزاری از موضوع اویغورها هر چه بیشتر شرایط را پیچیده تر ساخته است. ترکیه به دلیل تشابه زبانی و فرهنگی با اویغورها، رویکرد حمایتی قوم گرایانه به آن ها دارد و میزبان ده ها هزار اویغور در خاک خود است، این رویکرد بویژه در دوران حاکمیت حزب عدالت و توسعه و در قالب سیاست نئوعثمانیسم تشدید شده است و برخی از محافل چینی معتقدند گروههای جدایی طلبی از اویغورها در ترکیه مستقر شده و از آنجا برای آموزش به اردوگاههای در افغانستان و پاکستان اعزام می شوند. برخی منابع از آنها به خاطر اینکه نسبت به دیگر عناصر داعش کمتر افراطی هستند، تحت عنوان «داعشی های چینی» یاد می کنند. آنها بعد از اینکه کنترل موصل عراق به دست گروهک داعش افتاد به این گروهک پیوستند.

چین می خواهد دنیا را متوجه مسلمانان تجزیه طلبان سین کیانگ کند که با افغانستان، پاکستان و آسیای مرکزی هم مرز هستند و این منطقه جمعیت وسیعی از مسلمانان را در خود جای داده است. مقامات چین ملیت مسلمان و اقلیت اویغور را در ۲۰۰ واقعه انفجار شدید بین سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۱ مقصر می دانند. آنها متهم به دریافت کمک مالی از القاعده هستند. مقامات حکومتی کشور چین معتقدند که ۱۰۰۰ تروریست چینی در اردوگاههای افغانستان آموزش دیده اند. در ایالت سین کیانگ پس از یک سری حملات تروریستی دولت فعالیت مسلمانان و مساجد آنها را محدود و کنترل کرد. در این ایالت برخی کشتارهای بدون محاکمه نیز صورت گرفته است. دولت چین اعلام کرد که با شدت علیه افراطی گری مبارزه خواهد کرد که منظور دولت از این افراطی گرایان، جدایی طلبان اویغور است. مسلمانان در منطقه سین کیانگ و استانهای شمال غربی به دنبال استقلال و پیوستن به ترکستان هستند. آنها درگیری ها و شورش های زیادی را علیه دولت چین به راه انداخته اند. بنیاد گرایی اسلامی نیز در آن مناطق رواج دارد و بسیاری از افراد طالبان نیز در مناطق شمالی پناهنده شده اند.

دولت چین ادعا دارد که تروریست های اسلامی فعالیتهای خود را تحت نظر طالبان و اسامه بن لادن آغاز کردند و آن نیروها در پایگاههای طالبان آموزش دیده اند. آمریکا اعتقاد دارد که بخشی از مسلمانان همکاری کننده، در حوادث ۱۱ سپتامبر ساکن شمال غرب چین یعنی ایالت سین کیانگ هستند. پکن، اویغوری های مسلمان ساکن در منطقه سین کیانگ را تهدیدی علیه حکومت خود می داند که برای تشکیل کشوری مستقل تحت نام ترکستان شرقی تلاش می کنند. برخی از آنان از نیروهای افراطی در قزاقستان و دیگر کشورهای آسیای مرکزی کمک دریافت می کنند و در راه رسیدن به استقلال از شیوه های تروریستی بهره می برند. در این راستا وزیر امور خارجه چین گفت که ما تروریسم را از اسلام جدا می دانیم (icrro.ir).

نتیجه گیری

شکی نیست که بحرانهای کنترل نشده در مناطق مسلمان نشین که واگرایی و تضادهای عقیدتی را سبب می شود، نیاز به اتخاذ یک استراتژی کارآمد در حیطه مبادلات اقتصادی-تجاری دارد تا بتواند حجم عظیمی از تفکرات متفاوت را زیر یک مجموعه منسجم گرد هم آورد. بدین ترتیب چین به عنوان یک قدرت اقتصادی نوین با درک مفاهیم اقتصاد بازار آزاد، از این ابزار موثر برای ارتقاء منافع ملی خود، شروع به سرمایه گذاری در بخش های مختلف اقتصادی-تجاری و ایجاد زیرساخت های توسعه ای در کشورهای آسیای مرکزی می کند. در این بین محدودسازی طرح های اقتصادی چین از جانب رقبای منطقه ای و فرامنطقه ای در منطقه پرتنش فرغانه که امکان عملیات نامنظم را برای گروههای افراط گرا فراهم می سازد، شکل می گیرد. ضمن اینکه همبستگی انسانی (وجود هم تباران فرهنگی) و پیوستگی جغرافیایی پشتوانه مناسبی برای تقویت درخواستها و درگیری های هویتی-قومی در منطقه مورد مطالعه به وجود می آورد. از این رو با افزایش همکاری های اقتصادی-نظامی میان چین و آسیای مرکزی بر تعداد رقبا و مداخله گران افزوده می شود و چین را از جهت تقویت نیروهای واگرا در سین کیانگ و تلاش برای بی ثباتی و ناامنی مسیرهای ترانزیت تجاری-اقتصادی با چالش های اساسی رو به رو می سازد.

منابع

کتاب

فوشه، میشل (۱۳۹۵)، وسوسه مرزها، ترجمه سیروس احمدی نوحدانی، انتشارات پاپلی، صص ۲۵-۶۶.

مقاله

- دهشیری، محمدرضا؛ جوزانی کهن، شاهین (۱۳۹۴)، شبکه سلول های تروریستی داعش در آسیای مرکزی، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۲، صص ۲۹-۶۳.
- سجادیپور، محمدکاظم، پورقربان نیکی، آسیه (۱۳۹۷)، چین و افراط گرایی برگرفته از منطقه آسیای مرکزی، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۰۳، صص ۶۵-۹۹.
- سجادیپور، سید محمدکاظم؛ و جهانبخش، محمد تقی (۱۳۹۲)، سیاست امنیتی فدراسیون روسیه در قبال افغانستان نوین، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۴، صص ۲۷-۴۹.
- عزیزی، حمیدرضا (۱۳۹۳)، قدرت نرم چین در منطقه آسیای مرکزی: رویکردها، ابزارها و اهداف، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۸، صص ۸۷-۱۱۲.
- کوزه گر کالجی، ولی (۱۳۹۷)، دلایل و پیامدهای غیرامنیتی سازی در روابط ازبکستان و تاجیکستان، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۰۴، صص ۱۱۹-۱۵۶.

- موری، سپاستیانو؛ تاستی، لئوناردو (۱۳۹۶)، خیزش افراط گرایی در آسیای مرکزی؛ ثبات در هارتلند برای اورسیای امن، ترجمه هوشمند مشایخی، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، صص ۱-۲۸.
- ملکی، عباس؛ رئوفی مجید (۱۳۹۵)، راه ابریشم جدید: یک کمر بند یک جاده: نظریه چینی برای رهایی از محدودیت های استراتژیکی، موسسه ابرار معاصر، تهران، ص ۹۸.
- وریج کاظمی، مریم (۱۳۹۸)، چالش های امنیتی ترانزیت آب از کشورهای حوضه آمودریا به ایران، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال سی و سوم، شماره ۳۱۲-۳۱۳، پاییز و زمستان، ص ۱۷۸-۱۹۳.

سایت

اسلام و مسلمانان در چین، مجله دانشجویی فروغ وحدت، شماره ۱۳، - icpro.ir/index.aspx?pageid=-32738&p=61&showitem=11084

مقاله

- Brill Olcott, Martha, 2010 "Asia's Overlooked Middle," *International Economic Bulletin Carnegie Endowment for Peace*. <http://www.carnegieendowment.org/publications/index.cfm?fa=view&id=23288&prog=zgp,zru&proj=zje> Viewed on December 30, 2010.
- Hyer, Eric, 2006, *China's policy towards Uighur nationalism*, Pages 75-86 | Published online 03 Aug 2006, <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/13602000600738731>
- Ibanz-Tirado, Diana, Marsden, Magnus, 2020, *Trade 'outside the law': Uzbek and Afghan transnational merchants between Yiwu and South-Central Asia*, P: 135-154, <https://doi.org/10.1080/02634937.2020.1716687>
- Izquierdo, Lisa marie. stangerhaugen (2010) *Water-crisis-in-Central-Asia-Key-Challenges-and-Opportu*. Graduate Program in International Affairs / New School University/ <https://milanoschool.org>.
- International Monetary Fund. 2010, "Crisis Virtually Halts Growth in Caucasus and Central Asia," *IMF Survey Magazine*. Viewed on December 30, 2010, <http://www.imf.org/external/pubs/ft/survey/so/2009/car051109a.htm> l.
- Kemel Toktomushev, 2018, *China's Military Base in Afghanistan , Is China really building a military base in the northern province of Afghanistan?* January 18, 2018 <https://thediplomat.com/2018/01/chinas-military-base-in-afghanistan/>
- Lindsay Maizland, 2020, *China's Repression of Uighurs in Xinjiang*, Last updated June 30, <https://www.cfr.org/backgrounder/chinas-repression-ughurs-xinjiang>

- Mahnovski, Sergej, Kamil Akramov, 2007, **Theodore Karasik. Economic Dimensions of Security of Central Asia**. Santa Monica, CA: RAND Project Air Force, 2007, pp. 15-16. <http://www.rand.org/pubs/monographs/MG417.html> Viewed on April 15, 2014. Viewed on December 30, 2010.

-Putz, Catherine, "China in Tajikistan: New Report Claims Chinese Troops Patrol Large Swaths of the Afghan-Tajik Border," *The Diplomat*, June 18, 2019; <https://thediplomat.com/2019/06/china-in-tajikistan-new-report-claims-chinese-troops-patrol-large-swaths-of-the-afghan-tajik-border/>; "China boosts security role in Afghanistan to counter growing terrorism threat," Bloomberg News, April 12, 2016, <https://www.scmp.com/news/china/diplomacy-defence/article/1935410/china-boosts-security-role-afghanistan-counter-growing>.

-Russell, Martin, 2018, **Water in Central Asia, An increasingly scarce resource**, [https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/BRIE/2018/625181/EPRS_BRI\(2018\)625181_EN.pdf](https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/BRIE/2018/625181/EPRS_BRI(2018)625181_EN.pdf)

- Pomfret, Richard, 2009, "Central Asia and the Global Economic Crisis," *EUCAM EU-Central Asia Monitoring*, p. 3. http://www.fride.org/descarga/EUCAM_PB7_ENG_jun09.pdf [PDF Format: 623 KB / 6 pp] Viewed on December 30, 2010.

-Schiavenza, Matt, 2020, **Why Aren't More Countries Confronting China over Xinjiang?** January 14, 2020, <https://www.chinafile.com/reporting-opinion/viewpoint/why-arent-more-countries-confronting-china-over-xinjiang>

-Xin, hua, 2019, **Factbox: China's economic cooperation with Tajikistan, Kyrgyzstan reaps fruitful results**, Editor: Li Xia, http://www.xinhuanet.com/english/2019-06/11/c_138134440.htm

سایت

-CIA World Fact Book. (2010). <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/kg.html> Viewed on December 30, 2010.

-The World Bank. *Tajikistan Trade Diagnostic Study*, pp. 59-60. Report No. 32603-TJ, (December 3, 2005, <http://siteresources.worldbank.org/INTRANETTRADE/Resources/Pubs/TajikTradeStudy.pdf> [PDF format: 541 KB / 105 pp] Viewed on December 30, 2010.

-Turkmenistan-China Gas Pipeline To Open In 2009." (August 21, 2010). Radio Free Europe: Radio Liberty. Viewed on December 30, 2010 <http://www.rferl.org/content/article/1070724.html>

-Uyghurs in China, 2020, <https://fas.org/sgp/crs/row/IF10281.pdf>, Uyghurs in China <https://crsreports.congress.gov/IF10281>· VERSION 38· UPDATED

-<https://www.makhatertakfir.com/fa/Article/View/7498->